

# تأملی در کلمه عید و دعای تحویل سال نو

با تبریک و تهنیت نوروز و آرزوی خیر و خرسندی، شیرینی و شادی و سلامت و سعادت برای شما، در این جلسه سعی می‌کنیم با شکافتن معانی واژه‌هائی که برای این مراسم به کار می‌رود به فهم عمیق‌تر آنها نائل شویم.

## کلمه عید

«عید» که برای ما فارسی‌زبانان نام روزهای جشن و سرور سال است، کلمه‌ای است عربی که معنای کلی آن «بازگشت و رجوع» است. بازگشتی به «مکان» نخست، مثل: از سفر مراجعت کردن، بازگشتی به «اصل» خویش، مثل: مردن و به اصل خاکی خویش پیوستن و بار دیگر از خاک به حیات برگشتن (معاد). همچنین: بازگشت به «رفتار» بدی که از آن توبه کرده‌ایم (یا برعکس از خوبی به بدی میل کردن).

"عیادت" مریض هم که دیدار او پس از کمی دوری و بی‌خبری است، از همین واژه مشتق شده. شاخه‌های تازه بریده درخت را نیز "عود" می‌گویند، چون هنوز قابلیت سبز شدن و بازگشت به حیات را دارد. به همین ترتیب کلمات: "معاد روز قیامت"، "اعاده" آنچه امانت داده شده و مشتقات مشابه از همین ریشه هستند. عید فطر یا عید قربان (اضحی) نیز بازگشت آنها پس از یکسال است.

روز اول بهار را هم "عید" می‌گویند. چون پس از سرما و مرگ زمستانی طبیعت، بار دیگر بهار با طراوت و تازگی خود برمی‌گردد:

این درختانند همچون خاکیان	دستها برکنده اند از خاکدان
سوی خلقان صد اشارت می‌کنند	وآنکه گوش‌استش عبارت می‌کنند
با زبان سبز و با دست دراز	از ضمیر خاک می‌گویند راز
در زمستانشان اگر چه داد مرگ	زنده‌شان کرد از بهار و داد برگ
منکران گویند خود هست این قدیم	این چرا بندید بر ربّ کریم
کوری ایشان درون. دوستان	حق برویائید باغ و بوستان
هر گلی کاندر درون بویا بود	آن گل از اسرار حق گویا بود
بوی ایشان رَغْمِ آنفُ منکران	گرد. عالم می‌رود پرده دران

دفتر اول مثنوی مولوی ابیات ۲۰۲۷ بیعد

قرآن نیز از زنده شدن طبیعت در فصل بهاران، همین یادآوری رستاخیز ابدی را که تجدید حیات طبیعت مدل کوچکی از آن است مطرح کرده است. نگاه کنید:

روم ۵۰ - فَاَنْظُرْ اِلَىٰ اٰثَارِ رَحْمَتِ اللّٰهِ كَيْفَ يُحْيِي الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَاۗ اِنَّ ذٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتٰى وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

به آثار رحمت خدا (در دشت و دمن) نگاه کن که چگونه زمین را پس از مرگش (خزان و خشکی) زندگی می‌بخشد. بی‌گمان همو (به همان شیوه) مردگان را زنده خواهد کرد و او بر هر کاری تواناست.

## دعای تحویل سال نو

دعائی که از قدیم بیشتر مسلمانان هنگام تحویل سال نو می‌خوانند، از چهار بند کوتاه تشکیل شده است که سه بند آن خواندن خداست به یاد سه صفت او و چهارمین بند، دعا و درخواستی کوتاه به شرح ذیل است:

(۱) یا مقلب القلوب والابصار، (۲) یا مدبر اللیل و النهار، (۳) یا محول الحول والاحوال، (۴) حول حالنا الی احسن الحال

در معنای عید گفته شد که این کلمه دلالت بر تکرار و تجدید سالی دیگر می‌کند که نشانه‌ای است از "حرکت" دائمی جهان. در ذهن بسیاری از مردم خدا آفریدگاری است که جهان را خلق کرده و اداره آن را به قوانین و نظاماتی سپرده است که خود به خود می‌گردند! در حالی که آفرینش جریانی دائمی است و نه تنها حیات، بلکه حرکت هم در کنترل و اداره دائمی خداست.

## (۱) یا مقلب القلوب والابصار

ما در دعای تحویل سال نو، سه صفت خدا را که هر کدام از زاویه‌ای به موضوع "حرکت" در جهان اشاره دارد به خاطر می‌آوریم: مقلب، مدبر، و محول، که برای فهم بهتر آنها لازم است نگاهی جامع‌تر به کاربرد این سه کلمه در قرآن بکنیم. می‌توان از حرکت خورشید مثال زد؛ تغییر انقلابی نظام شب و روز را که نور و تاریکی را دائماً جایگزین می‌سازد، با صفت "مقلب" به خدا نسبت می‌دهند:

نور ۴۴- يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

همه تغییرات به ظاهر متضاد جهان مثل شب و روز، مرگ و حیات، سختی و نرمی و... به دست خداست. ما به عقل و دانش خود می‌بالیم و با انکار یا ندیده گرفتن نظاماتی که خداوند قرار داده، فکر می‌کنیم آنچه به عالم انسان‌ها مربوط می‌شود یکسره در اختیار و اراده خودمان است. درست است که خدا به ما اختیار و اراده مستقل داده و می‌توانیم آنچه‌مان که در داستان موسی و فرعون، ساحران گفتند: ما به سوی پروردگاران "مقلب" شده‌ایم (شعرا ۵۰ - قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ)!

اما این انقلاب و اختیار، در فضا و فرآیندی عمل می‌کند که در محدوده "مشیت" و خواسته او قرار دارد. بنابراین توفیق ما در انجام کار خیر و تمایل قلبی‌مان از تاریکی‌های اخلاقی به نور هدایت وابسته به رحمت اوست.

نور ۳۷ - رَجَالَ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ

خارج شدنمان نیز از نور فطری به تاریکی‌های شرک و کفر و نفاق از طریق ناباوری حقایق و موضع گرفتن در برابر حق در نظام او انجام می‌گیرد.

انعام ۱۱۰- وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوْلَٰئَ مَرَّةٍ وَنَدْرُ لَهُمْ فِي طُعْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

در قیامت دل‌ها و دیده‌های انسان‌ها دگرگون می‌شود و به حقایقی آگاه می‌شود که در دنیا از آن غافل بود. ستمگران مست قدرت و ثروت را سیه روزی و غم فرا می‌گیرد و دلسوختگان محروم و رنج کشیده را شادمانی و خرمی. این است زیر و رو شدن دل‌ها و دیده‌ها در قیامت:

شعراء ۲۲۷-... وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

نکته جالب توجه اینکه تحولات علمی و صنعتی نیز که در جوامع بشری صورت می‌گیرد، آن نیز توفیقی است که خداوند استعدادش را در وجود ما قرار داده و عقل و خرد ما در پرتو عنایات او عمل می‌کند. به این معنا بشریت دائماً در حال انقلاب بسوی پروردگار است:

زخرف ۱۳- وَلَيْسَتُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ إِذْ تُدْعَرُونَ نِعْمَةٌ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ

برای شناخت ابعاد گسترده کلمه انقلاب و نقش خداوند. "مقلب القلوب والابصار" نیلا به مصادیق کاربرد این کلمه در قرآن اشاره می‌کنیم:

پلک زدن چشم، به راست و چپ غلطیدن در خواب، نشست و برخاست در نماز، نگاه مکرر انتظار به آسمان، رفت و آمد در شهرها، دو دست به هم زدن، امور را وارونه جلوه دادن، از بدی به خوبی (یا برعکس) تغییر حالت دادن، از خوشی به ناخوشی، از سلامت به بیماری، از پیروزی به شکست، از عزت به ذلت، از امید به نومیدی، تغییر خط مشی زندگی و انقلاب فکری و رفتاری مثبت یا منفی و....

## ۲) یا مدبر الیل والنهار

اما گردش ماه و خورشید که بی حساب و کتاب و سرخود نیست، "تدبیر"، به معنای مدیریت خدائی که "مدبر الیل والنهار" است لازم می آید تا پرتو نور و حرارت خورشید، زمین گرم و روشن شود:

برای شناخت عمیق کاربرد "تدبیر" در جهان هستی، به آیات زیر نگاه کنید:

یونس ۳ - **إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَيْعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ۗ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۗ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ**

یونس ۳۱ - **فُلٌ مِّنْ بَرِّزُفُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ ۗ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ ۗ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ**

رعد ۲ - **اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ۗ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ لِّأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ**

سجده ۵ - **اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ ۗ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ۗ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ**

## ۳) یا محول الحول و الاحوال ...

بالاخره سومین واژه "تحول" است، تحول یعنی تنوع و عدم یکنواختی. حرکت وضعی و انتقالی زمین به دور خودش و دور خورشید، و نیز حرکت خورشید در کهکشان راه شیری و ... علاوه بر پیدایش فصول، بی نهایت تنوع و تغییر بوجود می آورد که تماماً دلالت بر حکمتی عالمانه می کند.

معنای "حال" تغییر کردن و جداسدن از حالت قبلی است. مثل حائل شدن بین دو چیز یا دو کس که آنها را از هم جدا می کند. سال را به این دلیل "حول" نامیده اند که با تغییر تاریخ از گذشته جدا می شود.

بقره ۲۴۰ - **وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ**

بقره ۲۳۳ - **وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ**

قوانین و نظاماتی که خداوند در جهان مقرر ساخته که به اصطلاح "سنت ها" نامیده می شود، همواره ثابت بوده و هیچ تغییری و تحولی پیدا نمی کند، آیات زیر این نظامات تغییر ناپذیر را نشان می دهد:

اسراء ۵۶ - **قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا**

**أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ ۗ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا**

اسراء ۷۷ - **سَنَّةٌ مِّنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رَّسُلِنَا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا**

فاطر ۴۳ - **فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأُولِينَ ۗ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۗ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا**

پیرامون هر چیز را نیز حول می گویند که از آن ناشی و جدا شده مثل: حول جهنم، حول العرش، حولك، حولكم و ... "حال" انسان هم وضعیت جسمی و روحی او در غم و شادی، فقر و غنا و سلامت و بیماری است که متغییر می باشد.

## ۴) حول حالنا الی احسن الحال

اینک با توجه به معانی سه واژه: انقلاب، تدبیر و تحول از خداوندی که همه این دگرگونی ها به دست اوست می خواهیم که حال ما را نیز به بهترین حال متحول سازد. البته پاسخ این دعای ما را خداوند نیز در کتاب حکیمش داده است:

خدا وضع هیچ ملتی را تغییر نمی دهد مگر آنکه نفسانیات (شخصیت) خود را تغییر دهند (رعد ۱)